

حامی گری به مثابه استراتژی: کنکاشی در انگیزه های حمایتی زنان عصر تیموری*

پریسا طاهرخانی

گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

parisa.taherkhani@iau.ac.ir

طاهر رضازاده (نویسنده مسئول)

^۲. گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Taherre@iau.ac.ir

الهام اعتمادی

^۳. گروه طراحی پارچه و مد، دانشگاه هنرهای خلاقانه و طراحی آرکین، قبرس، ترکیه.

elham.etemadi@arucad.edu.tr

چکیده

حامی گری هنری در دوره تیموری از عوامل کلیدی شکوفایی فرهنگی این عصر به شمار می رود، اما نقش زنان به عنوان کنشگران فعال در این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی، به بررسی نقش زنان خاندان تیموری به عنوان حامیان هنر، انگیزه های سیاسی، مذهبی و اقتصادی آنان، و تأثیر این حمایت ها بر شکل گیری آثار هنری و بازتولید ساختارهای قدرت می پردازد. داده ها از طریق مطالعه کتابخانه ای و تحلیل محتوای کیفی منابع دست اول و دوم گردآوری شده اند. یافته ها نشان می دهد که زنان تیموری با بهره گیری از منابع مالی و شبکه های اجتماعی، از هنر به ویژه در حوزه های معماری مذهبی و کتاب آرایی، به عنوان ابزاری برای کسب مشروعیت، تقویت نفوذ سیاسی و تحکیم پایگاه اجتماعی استفاده کردند. این مطالعه بر عاملیت فرهنگی زنان به عنوان عاملانی فعال در هنر تیموری تأکید کرده و نقش استراتژیک حامی گری هنری آنان را در بازتولید ساختارهای قدرت و غنای تاریخ اجتماعی ایران روشن می سازد.

کلمات کلیدی: حمایت هنری، زنان تیموری، اقتصاد، عاملیت فرهنگی، دوره تیموری.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری «پریسا طاهرخانی» با عنوان «مطالعه تحلیلی نظام های حمایت هنری در دوره تیموری» است که به راهنمای دکتر «طاهر رضازاده» و با مشاوره دکتر «الهام اعتمادی» در دانشکده عمران، هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در حال انجام است.

دوره تیموری، که به حق «رنسانس تیموری» نام گرفته، نه تنها اوج شکوفایی هنری، بلکه عصر تحول نهادهای حامی گری هنر در تاریخ ایران است. اگرچه پیشینه حمایت از هنر به ادوار کهن بازمی‌گردد، اما در این دوره است که حمایت هنری به مثابه «وظیفه حکومتی» نهادینه می‌شود و ساختاری پیچیده و چندبعدی می‌یابد. در میان کنشگران این عرصه، زنان خاندان تیموری نه به عنوان بازیگرانی حاشیه‌ای، بلکه به عنوان یک‌ترین حامیان هنر ظاهر می‌شوند که با درکی عمیق از پیوند هنر، قدرت و مشروعیت، به شکل‌دهی به چهره فرهنگی این عصر کمک کردند. این پژوهش با عبور از نگاه سنتی به حامی‌گری که عمدتاً بر نقش سلاطین و امیران متمرکز بوده در پی واکاوی «استراتژی‌های حمایتی» زنان درباری است. پرسش اصلی آن است که زنان چگونه از هنر به عنوان ابزاری برای تحکیم پایگاه اجتماعی، افزایش نفوذ سیاسی و نمایش وفاداری مذهبی بهره بردند؟ و این کنش‌ها چه تأثیری بر گزینش مضامین، انتخاب هنرمندان و حتی جهت‌گیری سبکی آثار داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، این مطالعه به تحلیل سازوکارهای اقتصادی (وقف‌نامه‌ها، منابع مالی)، شبکه‌های اجتماعی (روابط خویشاوندی، اتحادهای درباری) و بسترهای ایدئولوژیک (مذهب، سیاست) می‌پردازد که امکان کنشگری فرهنگی را برای زنان فراهم می‌کرد. همچنین، با بررسی مواردی همچون مسجد گوهرشاد در مشهد یا مجموعه‌های کتاب‌آرایی تحت حمایت زنان، نشان می‌دهد که چگونه هنر به قلمرویی برای اعمال نفوذ و بازتعریف نقش زنان در جامعه تیموری تبدیل شد. این تحقیق نه تنها درصدد پر کردن خلأ موجود در تاریخ‌نگاری هنر ایران است، بلکه می‌کوشد با خوانشی نو از اسناد تاریخی و آثار هنری، «عاملیت فرهنگی» زنان را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام حامی‌گری تیموری بازتعریف کند. در مورد حمایت‌گری دوره‌ی تیموری پژوهش‌های متعددی به زبان فارسی و انگلیسی منتشر گردیده است؛ به‌عنوان مثال در نوشتار لاتین نوشین ارباب‌زاده (۲۰۱۷) تحت عنوان «زنان و حمایت مذهبی در امپراتوری تیموری» به مساله حمایت‌گری و قدرت زنان در دوره‌ی تیموری می‌پردازد؛ این‌که چگونه زنان در طبقه حاکم با بودجه خصوصی خود به حمایت از آثار هنری می‌پرداختند؛ نمونه مثال زدنی در این نوشتار گوهرشاد و حمایت‌های وی بوده است و در ادامه نیز به توضیح انواع هنرها می‌پردازد. در نوشتار ذکر شده صرفاً به موضوع حمایت‌گری زنان دوره تیموری پرداخته شده است، اما در مقاله پیش رو نظام اقتصادی در ابعاد نوع حمایت‌گری حامیان قابل ذکر است. هدف این پژوهش، تحلیل نقش زنان به عنوان حامیان هنر در عصر تیموری با تمرکز بر انگیزه‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی آنان است. همچنین، نشان دادن

تأثیر این حمایت‌ها بر شکل‌گیری آثار هنری و بازتولید ساختارهای قدرت از جمله اهداف اصلی این مطالعه می‌باشد.

بحث:

نقش سیاسی زنان دوره تیموری در حمایت‌گری هنرها

زنان در اجتماع و تاریخ هنر ایران همیشه نقش تأثیرگذار و فعالی را بر هنرآرایی و هنرپروری، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، داشته‌اند. دوره تیموری، به دلیل گسترش اسلام و شروع تشیع و آزادی و حق و اختیاراتی که به زنان خصوصاً زنان درباری داده شده، این نقش هنرپروری پررنگ‌تر شده و زنان به سبب موقعیت‌های مختلفی که از نظر سیاسی به دست آوردند به حمایت‌گری‌های هنری بیشتر پرداختند و توانستند نامشان را در تاریخ هنر تیموری به ثبت برسانند. در این راستا مطالب پیش رو به معرفی و نام حامیانی پرداخته می‌شود که به لحاظ سیاسی و انگیزه‌هایی که بر سر داشتند به تشویق هنرمندان مبادرت ورزیده‌اند و توانستند آثار درخور توجهی را در تاریخ به ثبت برسانند.

«در جوامع قبیله‌ای زنان به لحاظ مشارکت در امور زندگی موقعیت مناسبی داشته و زن و مرد تا حدودی دارای حقوق یکسانی بوده‌اند. زنان، افزون بر کارهای خانواده، در بیشتر کارهای خارج از چادر نیز مردان قبیله را همراهی می‌کردند؛ به همین دلیل پس از شکل‌گیری حکومت ترک - مغول در ایران، زنان توانستند با بهره‌گرفتن از قدرت قبیله‌ای خود در امور حکومتی دخالت کرده و در برابر مردان حکومت جایگاهی برای خود کسب کنند. بنابراین، نقش فعال زن ایلایاتی مغولی و اهمیت آن به عنوان پدیده فرهنگی در میان دیگر ملت‌های تابع مغولان راه یافت. هرچند این سنت با توجه به فرهنگ و نژاد اجتماعی هر منطقه تا حدودی دچار دگرگونی شد و نوعی بومی‌سازی در آن صورت گرفت» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۲۷).

کلاویخو طی سفرش به دربار ایران در مورد جایگاه زنان این چنین می‌نویسد: زنان حرم‌سرا و شاهزاده خانم‌ها در مجالس بزم و سرور شرکت می‌کردند. او همچنین می‌گوید زنان تیمور با روی باز و با نقاب نازک و سفیدی که بر چهره داشتند معمولاً در فضای باز وارد می‌شدند. آنها موهای خود را به رنگ سیاه در می‌آوردند و با گیسوان سیاه برشانه‌ریخته، که نشانه زیبایی بیش از حد بود، و گوهرهای آویخته و لباس‌های فاخر در مجالس شرکت می‌کردند؛ به عنوان مثال، لباس‌هایی که دنباله آن را ۱۵ نفر از زنان می‌گرفتند تا سرای ملک خانم بتواند راه برود (کلاویخو، ۱۳۴۴: ص ۲۵۸).

«قبل از به قدرت رسیدن تیمور، خواهر بزرگتر او قتلغ ترکان آغا که پس از مرگ مادر کنترل خاندان را به دست گرفته بود حامی برادرش تیمور شد و او را در موارد متعددی همچون حمایت در جنگ‌های داخلی ماوراءالنهر و تسلی در بحران‌ها یاری می‌داد. ازدواج قتلغ ترکان با امیرداوود دوغلاتی پیوند خویشاوندی تیمور با مغولستان را در پی داشت. هرچند قتلغ ترکان پیش از وی همسر یکی دیگر از اعضای قبیله بنان سلطان دوغلات شده بود. از این رو، یکی از کامیابی‌های تیمور، در کسب قدرت، پیوندهای او با قبیله‌ها و خان‌های مغولستان بود» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۳۱).

نوشین ارباب‌زاده در *اسلام/فغانستان* (۲۰۱۷: ۲۳) به این نکته اشاره می‌کند که حمایت‌های زنان و مردان از خانقاه‌ها تیزبینی سیاسی به همراه داشت؛ زیرا سلسله حاکم نه تنها صوفی‌ها و کمک‌های آنان را نیاز داشت، بلکه به متخصصان حقوقی در قانون مذهبی هم نیاز داشت تا بتواند تیموریان را اداره کند یا حداقل سیاست‌های تیموریان یا شیوه‌های فرهنگی علیه شریعت را اعلام نکنند. بدین ترتیب، هریک از عوامل مختلف سیاسی نقش مهمی را در به وجود آمدن و چگونگی این حمایت‌گری‌ها ایفا می‌کرده است.

«نمونه‌هایی از نقش و نفوذ زنان درباری در دوره تیموری در سیاست و برخی امور کشوری دیده می‌شود. به طور کلی، زنان حرم‌سرا و زنان عقدی تیمور به شیوه زنان مسلمان با آنها رفتار نمی‌شد و رفتارشان بیشتر طبق آداب و سنن ترکی و مغولی بود. زنان تیموری در لشکرکشی‌ها هم شرکت می‌کردند. به طور مثال، سرای ملوک خانم و تومان آغا همسران تیمور، شادملک همسر خلیل سلطان^۱ گوهرشاد آغا همسر شاه‌رخ، و فیروزه بیگم مادر سلطان حسین بایقرا و خدیجه بیگم همسر او در امور حکومت صاحب نظر بودند» البته، در زمان تیمور، زنان حرم‌سرا در امور کشوری مداخله چندانی نمی‌کردند و فقط بعضی اوقات موفق می‌شدند از شدت و خشم و غضب تیمور در مجازات شاهزادگان بکاهند (آکا، ۱۳۹۰: ص ۲۳۱).

یکی از مهم‌ترین حامیان زن در دوره تیموری گوهرشاد خاتون همسر شاهرخ بود. گوهرشاد دختر خان جغتای بود و طبق رسوم ترکی و مغولی زن می‌توانست در امور سیاسی و اجتماعی دخالت کند، دستور دهد، و به سفرا اجازه ملاقات دهد و همچنین در برخی از جنگ‌ها هم شرکت کند. او در کارهای عمرانی مانند مسجد و مدرسه شرکت می‌کرد و خود واقف آنها بود. شاهرخ همسر گوهرشاد در امور کشورداری به امور دینی و فرهنگی نسبت به جنگ و پیکار علاقه بیشتری نشان می‌داد و طبیعی است که با این‌گونه از سطح علاقه وی شرایط علوم، هنرها، معارف، و ادبیات در دوره‌اش رو به کمال و ترقی باشد (اوکین، ۱۳۸۶: ص ۲۳ تا ۲۴).

از خانواده گوهرشاد برادرانش علی ترخان^۲ و حسن صوفی ترخان، که «امیر دیوان»^۳ خوانده می‌شدند، به دستور تیمور و به همراه شاهرخ در خراسان مناصبی را بر عهده گرفتند. خانواده گوهرشاد بیشتر گرد شاهرخ بوده و گروهی نیرومند را تشکیل داده بودند. بنابراین، یکی از عوامل قدرت‌گیری گوهرشاد، حضور اعضای خانواده‌اش در کنار او بود که فرصت مناسبی را فراهم می‌کرد تا در مواقع لزوم بتواند از این مسئله به نفع خود استفاده کند و در تصمیم‌گیری‌های قضایی، نظامی، و سیاسی نقش مهمی را ایفا کند (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۶۰).

«در اسلام هیچ قانونی وجود ندارد که زنان از مالکیت املاک و دارایی‌ها منع شوند؛ بنابراین، این امکان که زنان بنا بسازند یا اعطا کنند وجود داشت. درعمل، این امکان به اعضای نزدیک خاندان سلطان محدود می‌شد. از لحاظ نظری، زنان در سلسله‌مراتب سیاسی جایگاهی نداشتند، پس می‌بایست این امر مانع حمایت آنان از معماری شود، اما درعمل این امر تفاوت داشت و شاهد این هستیم که زیباترین بناهای سرزمین ایران در سده پانزدهم، یعنی، بناهای گوهرشاد در مشهد و هرات، حاصل حمایت‌های یک زن بوده است» تیمور مخالفت سیاسی هیچ‌کس را تحمل نمی‌کرد، ولی همسرانش از منزلت خاصی در دربارش برخوردار بودند. همسر اصلی‌اش سرای مُلک خانم شخصی بود که در جشن‌های بزرگ از همه به او نزدیک‌تر می‌نشست و اجازه اداره جشن‌ها را برعهده داشت. مشهور بود که یکی از همسرانش، قتلغ ترکان آغا، که در ۷۸۵ق / ۱۳۸۴-۱۳۸۳م درگذشت، چندین مدرسه و خانقاه بنا کرده است، و از این نوع بناها بود که سرای مُلک خانم و همسر دیگر تیمور، تومان آغا، بناکرده بودند (اوکین، ۱۳۸۶: ص ۱۷۱ تا ۱۷۲).

«زنان تیمور همچنین دارای حق مالکیت بودند. زمان‌پور به نقل از لمب (۱۳۴۴) می‌گوید: جهاز و هدایایی که به آنها داده می‌شد متعلق به خوشان بود. نقش دیگر زنان ساخت بناهای خیریه بود. این کار با قتلغ خواهر تیمور آغاز شد. او بناهای عام‌المنفعه زیادی ساخت و شرف‌الدین علی یزدی

(یزدی، ۸۸۷ق: ص ۲۶۰) او را از ازجمله زنانی می‌داند که در این زمینه بیشترین فعالیت را داشت. زنان اشراف و وابسته به طبقات مرفه با استفاده از باغ و خانه‌های وسیع و نظارت در امور خدمه و کنیزان وضع رضایت‌بخشی داشتند؛ زنان طبقه متوسط نیز از وضع مناسبی برخوردار بودند. زنان روستایی و عشایری، به‌طور کلی، زنان طبقات پایین نسبت به زنان خاندان سلطنتی در فعالیت اجتماعی حضور بیشتری داشتند، و همراه مردان خود کار می‌کردند. آنها حتی در هنگام جنگ نیز به همراه همسران خود به میدان جنگ می‌رفتند؛ اما وضع زنان این طبقه به دلیل وجود بردگان نسبت به دیگر شهرها بهتر بود (زمان‌پور، ۱۳۹۶: ص ۵۲ تا ۵۳).

«فاطمه سلطان، مشهور به بی‌بی فاطمه دختر بایسنقر که با امیر چخماق حاکم یزد ازدواج کرده بود، در همه فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی به همسرش کمک می‌کرد، به‌طوری که توانست فعالیت‌های عمرانی بسیاری در یزد انجام دهد. املاکی که ازطرف امیر چخماق و همسرش بی‌بی فاطمه وقف شده‌اند موارد ذیل است: ۱. املاک اطراف حمام که در داخل و خارج شهر یزد هستند؛ ۲. تمام آب و اراضی روستای محمد در گیلک طبس؛ ۳. آسیاب یوسف خلیل؛ ۴. ساختمان‌هایی که بر روی عرصه کاروان‌سرا بنا شده؛ ۵. منافع حاصل از عواید روستای بدرآباد در نزدیکی میبد؛ ۶. حقایقه قنات» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۱۲۲ تا ۱۲۸).

«مهری هروی^۴ ملقب به مهرالنساء از زنان شاعر و معاصر شاهرخ‌میرزا تیموری (۸۰۵ تا ۸۰۷ ق) و مصاحب همسرش گوهرشاد بود. همسر مهری، خواجه عبدالعزیز، پزشک مخصوص شاهرخ و گوهرشاد بود. مهری سراینده‌ای مطایبه‌گو و بدیهه‌سرا بود. در بیشتر مباحث مربوط به خاندان تیموری، بی‌بی خانم، نخستین همسری است که به فراوانی از وی به‌عنوان زنی نام برده می‌شود که توانست قدرت و موقعیت خود را در خاندان تیموری نشان دهد. او شخصی بود که تیمور را از ولادت فرزندان و نوه‌ها، موقعیت‌های خاص، مانند عروسی‌ها و بزم‌های پیروزی، مطلع می‌ساخت و مهمانی‌های خاندان را برنامه‌ریزی می‌کرد. همچنین نظارت بر انتقال همه غنیمت‌ها و دریافت نشان‌های جنگی خاندان تیمور در سمرقند بر عهده بی‌بی خانم بود» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۴۲ تا ۱۴۷).

با توجه به سوابق تاریخی این زمان، تومان آغا همراه با شروع و پایان عملیات نظامی تیمور بود و او را در مبارزات همراهی می‌کرد و از بازگشت او استقبال می‌کرد. در الگویی که مشارکت زنان مغولی در جنگ را منعکس می‌کند، تومان آغا به‌عنوان همراه تیموری در مبارزات شناخته شده است (Arbabzadah, 2017: 63).

چنان‌که پیداست در این دوره زنان موسیقی‌دان هم در جمع موسیقی‌دانان حضوری چشم‌گیر داشتند و مطربه‌ای چون خورشید خانم بزم‌آرا جایگاهی ویژه داشته است. با این حال، مورخان از ثبت نام زن‌های نوازنده و رقاصه، که در آن عصر فراوان بوده‌اند، غالباً دوری گزیده‌اند. همچنین از بانویی به نام چکر چنگی مغیه در مقام یکی از نوازندگان برجسته چنگ نام برده‌اند (کاوسی، ۱۳۸۹: ص ۶۹).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان در دوره تیموری از موقعیت اجتماعی و سیاسی بی‌سابقه‌ای برخوردار بودند که آنان را به بازیگران اصلی عرصه حمایت هنری تبدیل کرد. این نقش‌آفرینی را می‌توان در چند سطح تحلیل کرد:

۱. پشتوانه فرهنگی-اجتماعی:

با تلفیق سنت‌های ترکی-مغولی (که به زنان نقش فعال می‌داد) و ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی، زنان تیموری توانستند به عنوان حامیان هنر ظاهر شوند.

۲. کارکردهای سیاسی حمایت هنری:

زنان درباری با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های معماری و هنری (مانند مساجد، مدارس و خانقاه‌ها) هم به مشروعیت‌سازی حکومت کمک می‌کردند و هم جایگاه اجتماعی خود را تقویت می‌نمودند. نمونه‌هایی مانند گوهرشاد بیگم نشان می‌دهد که حمایت هنری برای زنان راهی برای نفوذ در ساختار قدرت بود. از موسیقی و شعر تا معماری و تاریخ‌نگاری، زنان در گستره وسیعی از هنرها حضوری فعال داشتند. اگرچه منابع تاریخی بسیاری از هنرمندان زن را نادیده گرفته‌اند، اما شواهد موجود حضور پررنگ آنان را تأیید می‌کند. تجربه زنان تیموری در حمایت هنری نشان‌دهنده ظرفیت منحصر به فرد این دوره در بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی زنان برای پیشبرد اهداف فرهنگی و سیاسی است. این پژوهش ثابت می‌کند که بدون در نظر گرفتن نقش زنان، درک جامعی از مکانیسم‌های حمایت هنری در دوره تیموری ممکن نیست. سنت‌های ترکی-مغولی، ساختار سیاسی منعطف و ظرفیت‌های اقتصادی، سه ضلع مثلثی بودند که موقعیت زنان را به عنوان حامیان هنر تقویت می‌کردند.

انگیزه‌های مذهبی زنان دوره تیموری در حمایت‌گری از هنرها

در این گفتار به معرفی دیگر شخصیت‌های حمایتگر این دوره می‌پردازم که به سهم خود نقشی بسزا در رونق هنر و فرهنگ این دوره داشته‌اند. با توجه به موقعیتی که اسلام توانست در این دوره پیدا کند، نقش زنان در این گونه مسائل مربوط به هنر و حمایت از هنر پررنگ‌تر از دوره‌های قبل گردید و در نهایت به شکل‌گیری شاهکارهایی در هنر به‌خصوص هنر معماری منجر گردید. در ادامه به معرفی هریک از این حامیان هنر و هنرهایی که توسط ایشان حمایت شده است پرداخته‌ام.

در بررسی رابطه با مذهب و دین در دوره تیموری اشاره به این نکته حائز اهمیت است که یکی از دلایل قدرت‌گرفتن زنان در دوره تیموری، که به تبع این قدرت‌گرفتن حمایت‌های آنان در امور فرهنگی بیشتر شده بود، تأثیرات اسلام و تشیع بود. نوعی حمایتگری و مبانی اخلاقی مانند زکات‌دادن که نتیجه مستقیم اسلام‌آوردن بود، به‌شکلی خود را در حمایت از بناهای مذهبی به‌ویژه مساجد و دیگر ساختمان‌های مذهبی نشان می‌داد. همچنین در قوانین اسلام مبنی بر اجازه‌داشتن زنان به داشتن استقلال مالی، این نوع حمایتگری‌ها را به‌دلیل شرایط مالی مناسبی که برای زنان آن دوره فراهم کرده بود میسر می‌ساخت. زیرا قرآن به‌طور خاص به ارث‌بردن زنان از اموال هم اشاره کرده بود. زنان دوره تیموری از دو منبع اصلی قدرت برخوردار بودند: یکی از قوانین اسلام و سنت ترک - مغول که ترکیب این دو منبع هم زنان را به ارث‌بری از ثروت و هم استفاده از ثروت خود برای تأمین بودجه بناهای مهم مذهبی قادر ساخت که این نکته یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی است که در جامعه تیموری رخ داد. در نتیجه، با اسلام و قوانینی که برای زنان حاصل شده بود شاهد رشد و گسترش حمایتگری‌هایی می‌شویم که نقشی بسزا در فرهنگ و هنر این دوره داشته‌اند (Arbabzadah, 2017: 60).

با مطالعه بر روی حمایت‌های زنان تیموری این نکته حائز اهمیت است که این افراد منبع الهام‌بخشیدن به آرمان‌های مردان آن دوره بوده‌اند تا از فضاهای دیگر غیر از فضاهای مذهبی مانند باغ‌ها و کاخ‌ها حمایت کنند^۵ (Subtelny, 2007: 154).

در راستای ساخت‌وسازهایی که توسط حامیان زن درباری به وجود آمده بود، ذکر این نکته قابل اهمیت است که تیمور اعضای خاندانش، به‌ویژه همسران را برای تأسیس بناها تشویق می‌کرد. بی‌بی خانم مدرسه‌ای مقابل مسجد جامع تیمور در سمرقند ساخت. همسر دیگر تیمور تومان آغا خانقاهی بنا نهاد. همچنین برخی دیگر از همسران و خواهران نیز در آن مکان مقبره‌هایی ساختند. ترکان آغا خواهر تیمور نیز پس از مرگ دخترش آرامگاهی در مجموعه شاه زند^۶ ساخت (محمدی، ۱۳۹۸).

ص ۱۴۳). «پریزاد خانم، ندیمه گوهرشاد را از اعقاب ربیع بن خثیم، مشهور به خواجه ربیع می‌دانند و به نقلی او را دختر شاهرخ تیموری یا ندیمه گوهرشاد دانسته‌اند. وی دست به تأسیس مدرسه علمیه برای تدریس علوم دینی و معارف اسلامی واقع در بازار مشهد زد که نام مدرسه پریزاد خانم (تصویر ۴-۱۳) شهرت یافت. چون گوهرشاد پریزاد خانم را بسیار دوست داشت، اضافه مصالح ساختمانی مسجد جامع گوهرشاد را در اختیار وی گذاشت تا مدرسه را بسازد» (همان: ۱۶۰).

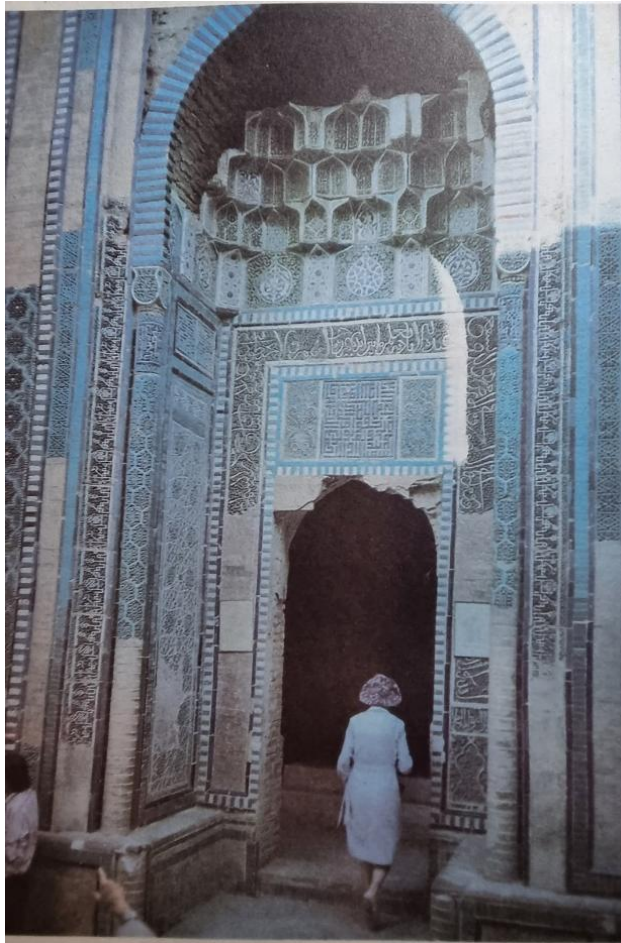
همسران شاهرخ یعنی گوهرشاد بیگم، ملکه آغا، و طوطی آغا هم هریک جداگانه به احداث مدارس در شهرهای مختلف از جمله هرات، بلخ، و شیراز پرداختند و برای آنها موقوفات بسیاری در نظر گرفتند و مدرسانی را به کار تدریس گماشتند (کاووسی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۲).



تصویر ۱: مدرسه پریزاد، ۸۲۳ق، مشهد (Hillenbrand, ۲۰۰۵: ۹۱)

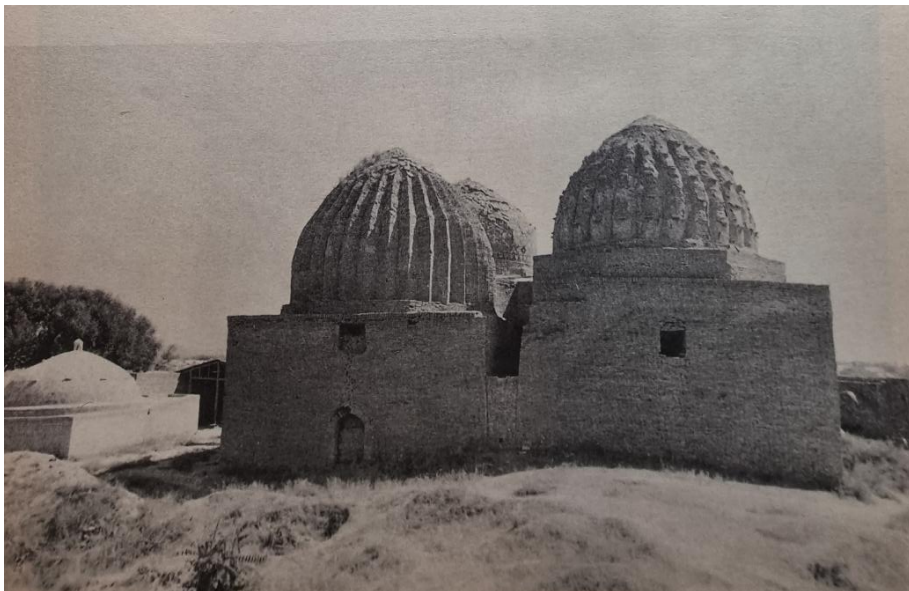
از برجسته‌ترین و پراهمیت‌ترین این شخصیت‌ها گوهرشاد همسر و شریک شاهرخ تیموری بود. در آداب و رسوم دیرینه از حمایت زنان در برپایی و ساخت مساجد ممانعت می‌شد، اما گوهرشاد این

رسم دیرینه را زیر پا گذاشت و اهتمام به برپایی یکی از مهم‌ترین مساجد این دوره یعنی مسجد گوهرشاد^۷ در نزدیکی بارگاه یکی از امامان شیعه نمود که علاوه بر اینکه مکانی معمولی برای پرستش بود، همچنین یکی از مهم‌ترین مساجد جمعه نیز به شمار می‌رفت. می‌توان به آسانی استنباط نمود که گوهرشاد از یک بانوی اشرافی نسل قبلی ترکان مغول، قتلغ ترکان آغا (دسامبر ۱۳۸۳) خواهر بزرگ‌تر تیمور، که با ساخت مسجد در سمرقند (تصویر ۴-۱۴) مشهور شده بود، الهام گرفته بود (Arbabzadah, 2017: 58). با وجود این، این نوع حمایت‌گری زنان از هنر و فرهنگ منحصرأ مربوط به دوره تیموری نبود، بلکه در دیگر دوره‌های اسلامی زنان سلطنتی نیز در حمایت از ساختمان‌های مذهبی شرکت می‌کردند. در متن‌های ادبی، مثل شعر، تاریخ‌نگاری نشان می‌دهد که زنان تیموری یا به عنوان عوامل سیاسی یا به عنوان علاقه‌مندان به موسیقی و شعر از وضعیت ویژه‌ای برخوردار بودند^۸ که از این نمونه می‌توان رقیه بیگم^۹ از نوادگان ازبک‌خان را نام برد که از دیگر زنان حامی این گروه بوده است. با مقایسه بناهایی که توسط حاکمان مرد ساخته شده بود و آنهایی که توسط حاکمان زن پشتیبانی شده بود به این نتیجه می‌رسیم که حاکمان مرد هم در ساخت بناهای مذهبی و غیرمذهبی نقش داشتند، درحالی‌که حاکمان زن تنها به حمایت از بناهای مذهبی محدود می‌شدند (Arbabzadah, 2017: 56-58). مدارس و خانقاه‌ها یا زاویه‌های آنها رایج‌ترین بناهای ساخته شده به همت زنان است. گوهرشاد تنها کسی بود که مساجد را بنا کرده و دو موردی را که وی ساخته است نمونه‌های عالی دوره وی محسوب می‌شوند (اوکین، ۱۳۸۶: ص ۱۷۶).



تصویر ۲: سردر ورودی مقبره قتلغ آغا، سمرقند (شهبازی شیران، ۱۳۸۹: ص ۷۱۷)

از دیگر نمونه‌های این دست معرفی آرامگاه شادی ملک آغا (تصویر ۴-۱۵) که به فرمان مادرش ترکان آغا، خواهر تیمور لنگ و آرامگاه - مسجد تومان آغا، که به دستور خود وی ساخته شد، می‌توان اشاره کرد. این امر نشانگر اهمیت نقش زنان در برپایی و پشتیبانی فعالیت‌های فرهنگی بوده است.



تصویر ۳: آرامگاه شادی ملک آغا، سمرقند، شاه زند (گلمیک، هلد، ویلبر، ۱۳۷۴: ص ۷۴۲)

به گفته خواند میر، ملکت آغا همسر شاهرخ به جز مدرسه خانقاه و دارالحديث و دارالشفاء و دو حمام در شهر هرات برپا و دكان‌های مختلفی بر این بناها وقف کرد. به علاوه، در نه فرسخی هرات در محلی میان دره زنگی و چهل دختران رباطی وسیع طرح انداخت. خواند کلک آغا، همسر میرزا علاءالدوله بن بایسنقر^{۱۰} هم عمارتی با چهار منار بلند بنا کرد (کاووسی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۷).

با دسته‌بندی مضامین حمایت‌گری شده توسط حامیان هنری تیموری و میزان تأثیری که مذهب بر روی حامیان هنر داشته است، می‌شود متوجه میزان رشد تشیع و تسنن شد. تمامی این مثال‌ها نشان از آن است که حمایت‌گری زنان درباری تیموری محدود به مضامینی می‌شده که با مذهب در ارتباط بوده‌اند.

پایندی ایرانیان به مذهب تشیع باعث شد که خوی چنگیزی که در رفتار تیمور وجود داشت فروکش کند و او را تبدیل به انسانی منعطف نماید. در بررسی مذهب در این زمان در دوره برخی از حامیان هنری دوره تیموری همچون تیمور به این نتیجه می‌رسیم که مذهب برای برخی از آنان کارکرد سیاسی داشته و در اصل پایبند به مذهب شیعه نبوده و خود را مطیع نشان می‌دادند تا در پیشبرد مقاصد خودشان موفق‌تر عمل کنند. اما حامیانی چون شاهرخ به شدت پایبند به اسلام و تشیع بود و به عنوان شریعتمدار اسلام می‌توان از وی نام برد. زیرا فعالیت و کارهایی که انجام می‌داد در

مقایسه با مذهب اسلام و قوانین اسلام مغایرتی نداشته و در یک راستا بوده است. دین دوستی حامیان هنری به شکل گیری و آفریدن آثار گران بهایی در این دوره منجر شده که برطبق اصول اسلام بوده و مضمون‌هایی کاملاً دینی داشته است. به عنوان نمونه، یکی از هنرهایی که بر پایه مذهب در این دوره رشد کرده خوشنویسی بوده که امرا و شاهزادگانی همچون شاهرخ، بایسنقر، ابراهیم سلطان و سلطان حسین بایقرا، که پایبند به اصول مذهبی بودند، خطاط و خوشنویس بودند و خوشنویسان را حمایت می کردند. پذیرفتن مذهب شیعه تأثیر بسیار مثبتی بر یکی از مهم ترین حامیان هنری این دوره یعنی زنان داشته است و باعث اختیاردادن به زنان در این دوره شد که به تبع آن وقتی جایگاه اجتماعی بالاتری گرفتند دست به آفرینش اماکن مذهبی زدند که در نوع خود بی نظیر بوده است. (تصویر ۴-۱۶)



تصویر ۴: کتیبه‌ای به خط ثلث به رقم ابراهیم سلطان، ۸۱۷ق، مزار علی بن حمزه، شیراز (کاووسی، ۱۳۸۹: ص ۳۵۴)

در دوره تیموریان، زنان به ویژه بانوان دربار، نقش بی سابقه ای در حمایت از هنر و معماری ایفا کردند. این تحول چشمگیر ریشه در دو عامل اساسی داشت: از یک سو آموزه های اسلام که به زنان استقلال مالی اعطا میکرد و از سوی دیگر سنتهای ترکی-مغولی که برای زنان جایگاه اجتماعی والتری قائل بود.

زنان حامی این دوره عمدتاً بر ساخت بناهای مذهبی مانند مساجد، مدارس و خانقاه‌ها تمرکز داشتند. گوهرشاد بیگم، همسر شاهرخ، نمونه بارز این رویکرد بود که با ساخت مسجد گوهرشاد در مشهد، نه تنها یک بنای مذهبی خلق کرد، بلکه سنت‌های محدودکننده پیشین را درهم شکست. این مسجد که در مجاورت حرم امام رضا(ع) بنا شد، هم کارکرد عبادی داشت و هم نماد قدرت و نفوذ بانوان دربار بود.

استقلال مالی زنان براساس قوانین اسلامی، به ویژه در زمینه ارث و مالکیت، امکان این حمایت‌ها را فراهم می‌کرد. زنان تیموری از این موقعیت برای وقف اموال خود در راه ساخت بناهای عام المنفعه استفاده می‌کردند. مدرسه پریزاد خانم در مشهد که با مصالح باقیمانده از مسجد گوهرشاد ساخته شد، نمونه ای از این همکاری‌های زنان در عرصه معماری بود.

فهرست بناهای ساخته شده به دستور بانوان تیموری حیرت انگیز است: مدارس متعدد در شهرهای هرات، بلخ و شیراز، خانقاه‌ها و زیارتگاه‌های صوفیان، رباطها و کاروانسراهای بین راهی، حمام‌های عمومی، بازارها و مراکز تجاری.

حمایت‌های زنان تیموری چندین دستاورد مهم داشت:

۱. توسعه معماری مذهبی با ویژگیهای خاص دوره تیموری
۲. ایجاد شبکه‌های آموزشی و علمی از طریق مدارس
۳. تقویت هنرهای وابسته به معماری مانند کاشیکاری و گچبری
۴. حفظ و اشاعه سنت‌های تصوف از طریق ساخت خانقاه‌ها

حمایت‌گری زنان تیموری از هنر و معماری، فصل درخشانی در تاریخ فرهنگی ایران گشود. این دوره نشان داد که چگونه ترکیب هوشمندانه سنت‌های اسلامی و مغولی می‌تواند فضایی برای ظهور توانمندی‌های زنان فراهم آورد. آثار برجای مانده از این دوره، گواهی است بر تأثیر عمیق تصمیمات و اقدامات این بانوان در شکل‌دهی به چهره هنری و معماری عصر تیموری.

انگیزه‌های اقتصادی زنان دوره تیموری بر حمایت‌گری از هنرها

شرایط مطلوب اقتصادی دوره تیموری تأثیرش را بر روی یکی از مهم‌ترین حامیان هنری این دوره یعنی زنان گذاشته بود. در بحث پیش رو به تملک زنان تیموری از املاکی که در اختیار داشتند پرداخته‌ام و به این مورد اشاره می‌کنم که این مالکیت‌ها چه تأثیری بر درآمد ایشان و در نهایت هنرپروری زنان در دوره تیموری داشته است. به بحث درباره جایگاه اقتصادی زنان دربار تیمور و دیگر شاهان و شاهزادگان نیز اشاره خواهم کرد. همچنین به ذکر مواردی می‌پردازم که تحت حمایت ایشان به وجود آمده و آفریده شده‌اند.

اعتبار زنان در دوره تیموری قابل قیاس با هیچ دوره‌ای از تاریخ نیست. زنان در این دوره از موقعیت اجتماعی و احترام برخوردار بودند. در واقع، قبول تمدن اسلامی و ایرانی مقام اجتماعی زنان را بالا برد. زنان، در این دوره، علاوه بر کارهای خانه، به کارهای سنگین بیرون از خانه و جنگ نیز می‌پرداختند. نفوذ زنان در دربار تیموری و امور سیاسی نیز حاکی از همین امر است. پادشاهان بسیاری از تصمیمات خودشان را با مشورت با همسران خود انجام می‌دادند. زنان در به سلطنت رسیدن فرزندان‌شان نیز تلاش می‌کردند. از مهم‌ترین زنان این دوره، قُتْلُق تَرکان آغا، تومان آغا، مَلِکَت آغا،^{۱۱} و گوهرشاد آغا بودند (زمان‌پور، ۱۳۹۶: ص ۴۹ تا ۵۰).

«از منابع دوره تیموری می‌توان دریافت که ثروت زنان درباری زبانزد عام و خاص بود. داشتن املاک فراوان برای برخی زنان دربار تیموری امری عادی بود، ولی همین قدرت مالی تبدیل به قدرتی برای رقابت با زنان و مردان دیگر دربار می‌شد. زنانی که دارای فعالیت مؤثر در امور اقتصادی بودند، بیشتر همراه سلاطینی بودند که در مناطق زیر سلطه خود املاک مزروعی وسیع و در شهرها دکان‌ها، خانه‌ها، و... را در تملک داشتند. باید اذعان داشت که موقعیت حقوقی و اقتصادی یک زن اساساً مقام اجتماعی او را نشان می‌دهد» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۷).

به سبب موقعیت‌های خاص اقتصادی و تملک مالی که زنان در اختیار داشتند و می‌توانستند در اقتصاد این دوره مفید باشند، مشارکت اقتصادی زنان دربار تیموری در کارهایی عام‌المنفعه به وفور مشاهده می‌شود (همان: ۱۲۰). برای نمونه، وقتی گوهرشاد تصمیم به ساخت مدرسه گوهرشاد را گرفت، از اموال شخصی خودش حجاران، کاشی‌کاران، خطاطان، و نقاشان ماهر را به ساخت این مسجد گماشت (همان: ۱۶۰).

«زنان خاندان تیموری افزون بر املاک و زمین‌هایی که دریافت می‌کردند، درآمدهای دیگری نیز داشتند که جایگاه اقتصادی آنها را در دربار نشان می‌دهد. یکی دیگر از راه‌های کسب درآمد برای بانوان درباری دریافت سهمی جداگانه از غنایم جنگی بود که تیمور با خود به سمرقند می‌آورد. بی‌بی خانم، به عنوان سرپرست نگهداری از غنایم جنگی، این فرصت را در اختیار داشت تا اشیای دل‌خواهش را از میان آنها انتخاب کند. یکی دیگر از راه‌های کسب درآمد زنان درباری دریافت مالیات بود. به زعم کلاویخو: هریک از زنان نسبت به مقام و موقعیت خویش، از پیشکش‌هایی که به دربار می‌رسید سهمی می‌گرفتند. زنان خاندان تیموری به عنوان‌ها و مناسبت‌های گوناگون املاکی را دریافت می‌کردند. بدین‌سان که قسمت‌هایی از املاک سلطنتی به عنوان سیورغال به زنان واگذار می‌شد. تیمور قصبه کوسویه^{۱۲} را به عنوان سیورغال به زنان واگذار کرد» (همان: ص ۱۱۸ تا ۱۱۹).

اما تیمور و در مجموع مغولان برای زنان احترام چندانی قائل نبودند. ابن عربشاه می‌گوید: «تیمور هیچ‌گاه به لفظ زنان زبان نگشود و از بردن نام ایشان پیوسته در اجتناب بود و هرگاه زنی برای او دختر به دنیا می‌آورد می‌گفتند پرده‌نشینی به دنیا آمد». در زمان تیمور، جز در موارد معدودی، زنان در امور سیاسی دخالتی نداشتند و فقط گاهی می‌توانستند از خشم تیمور در مقابل امیرزادگان بکاهند و گاهی نیز آنها را واسطه قرار می‌دادند تا قرارداد صلحی بسته شود. تربیت امیرزادگان نیز تنها برعهده زنان صاحب نفوذ در حرم‌سرا بود و بقیه زنان چنین کاری را انجام نمی‌دادند (زمان‌پور، ۱۳۹۶: ص ۵۰ تا ۵۱). یک نمونه از مثال‌های دریافت سیورغال مربوط به تومان آغا می‌باشد. «تومان آغا،^{۱۳} پیش از رمضان ۷۶۸ق، حاصل ازدواج امیرموسی و آرزو مُلک متولد شد، آرزو مُلک دختر امیر بایزید جلایر بود. این زن با تیمور در سمرقند ازدواج کرد و در سمرقند ساخت باغ بهشت را ترتیب داد. در ظفرنامه از این زن در کنار سرای ملک خان یاد شده است. تیمور توجه خاصی به وی داشت، به‌طوری که وی را در اردوگاه مازندران نگاه داشته بود، درحالی‌که دیگر همسرانش را به سمرقند برگرداند. حمایت هنری تومان آغا از معماری قبل از آمدنش به خراسان آغاز شده بود، چون دو ساختمان در شاه‌زند دربردارنده نام او بود: یکی مسجد و دیگری بقعه. (تصاویر ۴-۲۱ و ۴-۲۲) بعد از مرگ تیمور، تومان آغا^{۱۴} به عقد شیخ‌نورالدین درآمد و بعد از به قتل رسیدن شیخ‌نورالدین شاه‌رخ وی را به هرات آورد و شهر کوسویه را سیورغال او قرار داد و در این شهر و اطرافش بناهای ارزشمندی از وی چون مدرسه، خانقاه، و رباط به یادگار ماندند» (اوکین، ۱۳۸۶: ص ۳۶۴).



تصویر ۵: مسجد تومان آغا (گلمبک، هلد، ویلبر، ۱۳۷۴: ص ۷۵۴)



تصویر ۶: آرامگاه تومان آغا (گلمبک، هلد، ویلبر، ۱۳۷۴: ص ۷۵۲)

دوران تیموریان شاهد تحولی چشمگیر در موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان به ویژه درباریان بود که تأثیر مستقیمی بر رونق هنر و معماری داشت. این تحول از چند جنبه قابل بررسی است:

استقلال مالی زنان:

زنان درباری تیموری از منابع درآمدی متنوعی برخوردار بودند: مالکیت زمین‌های زراعی و املاک گسترده، دریافت سهم از غنایم جنگی، اخذ مالیات از مناطق تحت تملک، دریافت سیورغال (زمین‌های معاف از مالیات)، هدایا و پیشکش‌های درباری.

گوهرشادبیگم به عنوان نماد این تحول، با استفاده از ثروت شخصی خود مسجد گوهرشاد را بنا کرد که از شاهکارهای معماری دوره تیموری است. او هنرمندان و استادکاران را از نقاط مختلف گرد آورد و با تأمین هزینه‌های کلان، فضایی برای خلاقیت هنری ایجاد نمود. با وجود این استقلال مالی، زنان در برخی عرصه‌ها با محدودیت مواجه بودند: عدم مشارکت مستقیم در امور سیاسی، ممنوعیت حضور در برخی عرصه‌های هنری، کنترل رفتارها و ارتباطات توسط ساختارهای سنتی.

حمایت‌های مالی زنان منجر به ساخت مساجد، مدارس و خانقاه‌های باشکوه، رشد هنرهای تزئینی مانند کاشیکاری و گچبری، ایجاد مراکز آموزشی و فرهنگی و حفظ و انتقال دانش هنری به نسل‌های بعدی شد. موقعیت اقتصادی ممتاز زنان درباری تیموری، آنان را به بازیگران اصلی عرصه حمایت هنری تبدیل کرد. اگرچه این نقش‌آفرینی در چارچوب محدودیت‌های اجتماعی صورت می‌گرفت، اما تأثیری ماندگار بر هنر و معماری این دوره گذاشت. تجربه تیموریان نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی زنان می‌تواند محرکی قوی برای پیشرفت فرهنگی باشد.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که زنان در دوره تیموری، به ویژه بانوان درباری، با بهره‌گیری از استقلال مالی و موقعیت اجتماعی بی‌سابقه خود، به بازیگران اصلی عرصه حمایت هنری تبدیل شدند. این نقش‌آفرینی، حاصل تلفیق هوشمندانه سنت‌های ترکی-مغولی (که برای زنان جایگاه بالاتری قائل بود) و قوانین اسلامی (که به آنان استقلال اقتصادی می‌بخشید) بود. زنان با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عظیم معماری مانند مساجد، مدارس و خانقاه‌ها نه تنها به مشروعیت‌بخشی به حکومت تیموری کمک کردند، بلکه از هنر به عنوان ابزاری استراتژیک برای تحکیم پایگاه اجتماعی و افزایش نفوذ سیاسی خود بهره بردند. نمونه‌های بارزی همچون گوهرشاد بیگم با ساخت مسجد گوهرشاد در مشهد و پریزاد خانم با احداث مدرسه در مجاورت حرم امام رضا(ع) نشان می‌دهند که زنان با دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، سنت‌های پیشین را درهم شکستند و آثار ماندگاری را خلق کردند که هم کارکرد مذهبی و هم نمادین داشت. این بناها نه تنها فضایی برای آموزش و عبادت بودند، بلکه به عنوان نماد قدرت و عاملیت فرهنگی زنان، به بازتولید ساختارهای اجتماعی و مشروعیت سیاسی خاندان تیموری کمک کردند. از دیدگاه اقتصادی، دسترسی زنان به منابع مالی از طریق مالکیت زمین‌ها، دریافت سهم از غنایم جنگی و اخذ مالیات امکان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هنری را فراهم می‌کرد. از منظر سیاسی، حمایت از هنر راهی برای نفوذ غیرمستقیم در عرصه‌ای بود که به طور سنتی در اختیار مردان قرار داشت. از جنبه مذهبی، وقف اموال برای ساخت بناهای عام‌المنفعه، هم تقوا و هم قدرت آنان را به نمایش می‌گذاشت. در نهایت، این پژوهش ثابت می‌کند که بدون در نظر گرفتن نقش زنان، درک جامعی از مکانیسم‌های حمایت هنری در دوره تیموری ممکن نیست. تجربه آنان نشان می‌دهد که چگونه ترکیب استقلال اقتصادی و موقعیت اجتماعی می‌تواند فضایی برای کنشگری فرهنگی زنان فراهم آورد و منجر به خلق یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری ایران شود. مطالعه حاضر گامی است در جهت بازخوانی «تاریخ هنر مبتنی بر عاملیت زنان» و نشان می‌دهد که هنر می‌تواند قلمرویی برای بازتعریف نقش‌های جنسیتی و اجتماعی باشد.

Patronage as a Strategy: An Inquiry into the Motivations of Female Patrons in the Timurid Era

Parisa Taherkhani

Department of Art, SR.C., Islamic Azad University, Tehran,Iran.

Taher Rezazadeh

Department of Art, SR.C., Islamic Azad University, Tehran,Iran.

Elham Etemadi

Department of Textile and Fashion Design, Arkin University of Creative Arts and Design (ARUCAD)Faculty of Arts, Cyprus, Türkiye.

Abstract

Artistic patronage during the Timurid period is considered a key factor in the cultural flourishing of this era; however, the role of women as active agents in this domain has received less attention. Using a descriptive-analytical method and a qualitative approach, this research examines the role of women of the Timurid dynasty as patrons of art, their political, religious, and economic motivations, and the impact of this patronage on the formation of artistic works and the reproduction of power structures. Data were collected through library research and qualitative content analysis of primary and secondary sources. The findings indicate that Timurid women, utilizing financial resources and social networks, used art—particularly in the fields of religious architecture and book illumination—as a tool to gain legitimacy, strengthen political influence, and consolidate their social standing. This study emphasizes the cultural agency of women as active participants in Timurid art and illuminates the strategic role of their artistic patronage in reproducing power structures and enriching Iran's social history.

Keywords: Artistic Patronage, Timurid Women, Economy, Cultural Agency, Timurid dynasty.

۱. آکا، اسماعیل. (۱۳۹۰). تیموریان، ترجمه اکبر صبوری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. جهانیان، طاهره. (۱۳۹۶). تجارت ایرانیان در دوره تیموریان، مشهد: مینوفر.
۴. خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۳۳). حبیب السیر، به کوشش جلال‌الدین همایی، ج ۴، تهران: خیام.
۵. دست‌پاک، فاطمه. (۱۳۹۰)، خراسان بزرگ در عهد تیموریان، مشهد: بدخشان.
۶. شهبازی‌شیران، حبیب. (۱۳۸۹). بررسی معماری مساجد و مقابر برجسته ایرانی در دوره تیموریان و صفویان، اردبیل: گونش نگار.
۷. فضل‌الله، رشیدالدین. (۱۳۵۰). وقفنامه ربع رشیدی؛ الوقیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرایط امور الوقف و المصارف، زیر نظر مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۸. کاووسی، ولی‌الله. (۱۳۸۹). تیغ و تنبور، هنر عهد تیموریان به روایت متون، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه، و نشر آثار هنری.
۹. کلاویخو، روی گونزالس. (۱۳۴۴). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. گلمبک، لیزا. رنتا هلد، دونالد ویلبر. (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. مجتبوی، سیدحسین. (۱۳۸۹). هرات در عهد تیموریان، تهران: مرندیز.
۱۲. محمدی، لیلا. (۱۳۹۸). زنان خاندان عصر تیموری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. لمب، هارلود. (۱۳۴۴). تیمور لنگ، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۱۴. زمان‌پور، سعیده. (۱۳۹۶). «اوضاع اجتماعی تیموریان» فصلنامه جندی شاپور، ش ۱۲، (از ص ۳۷ تا ص ۵۶).

۱۵. فرستاده، راضیه. عباسعلی آذرنیوشه. (۱۳۹۰). «نقش سیاسی، اجتماعی، اقتصادی گوهرشادآغا در خراسان عهد تیموری» پژوهش‌نامه خراسان بزرگ، ش ۴، (از ص ۹ تا ص ۲۸).

16. A. J. Veal and Christine Burton. *Research Methods for Arts and Event Management*, PEARSON EDUCATION LIMITED. 2014
17. Arbabzadah, N. (2017), *Afghanistan's Islam*. California : University of California Press.
18. Dickens, M. (1990), *Timurid Architecture In Samarkand*. University of Alberta.
19. Hillenbrand, R. (2005), The Timurid Achievement in Architecture, in A Survey of Persian Art". The Islami Period XVIII. *Daneshvari Costa Mesa*, 83-126.
20. Manz, Beatrice Forbes, (2007), *Power, Politics and Religion in Timurid Iran*. Boston: Tufts University Oxford: Wiley Blackwell, 2 , 811-845.
21. Rogers, J. M, (1996), Centralisation And Timurid Creativity . *Moderno, Nuova serie*. 533-550, 15.
22. Subtelny, Maria Eva, (2007), *Timurids in Transition*. Boston: Brill.

۱ «شادملک از زنان خوشنویس دوره تیموری دختر محمدسلطان تیموری و نوه تیمور بود. از وی خوشنویسی از آیات قرآن مجید به جای مانده است. شاد ملک تنها زن خوشنویس است که در میان زنان خاندان تیموری معرفی شده است» (محمدی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۶ تا ۱۴۷). «تنها زن درباری که در عرصه موسیقی فعالیت داشت و در تواریخ به نام او اشاره شده است، شادملک است که وی را از زنان مطرب معرفی کرده‌اند، به طوری که برای هنر و استعدادش در موسیقی در سراسر هرات همتایی وجود نداشت و شهرتش تا دوردست‌ها پیچیده بود» (همان: ۱۵۰).

۲. ترخان لقبی بود که خان‌های مغول به کسی می‌دادند تا هروقت خواهد بی‌احضار به حضور پادشاه رود و اگر تقصیری یا خطایی کند، او را به مؤاخذه بگیرند (دست‌پاک، ۱۳۹۰: ص ۷۹).

۳. عنوان امیر دیوان ممکن است هم به امیران شورای حاکم و هم به کسانی که در امور مالی مسئولیت داشتند اطلاق شود (Manz, ۲۰۰۷: ۸۲).

۴. «زیبایی مهری و تفاوت سنی زیاد شوهرش با او اسباب اشعار مطایبه‌آمیزی بین آن دو شد که در کتاب‌های تذکره آمده است. مهری شاعرهای مطایبه‌گو و بدیهه‌سرا بود. در مورد او نقل کرده‌اند که وی با خواهرزاده گوه‌رشاد بیگم روابط پنهانی داشت و به همین دلیل به درخواست همسرش و دستور شاه‌رخ مدتی زندانی شد. برخی تذکره‌ها نام مهری را مهری برایته نوشته و مصاحب او را نور جهان‌بیگم، همسر جهانگیر از پادشاهان بابری هند (۱۰۱۴ تا ۱۰۳۷ق) دانسته‌اند و مؤلف تذکره محمد شاهی او را «مهریز کشمیری» نامیده و همان مطایبات را نقل کرده است. به نوشته قزوینی، مترجم *مجالس النفائس*، مهری دیوانی به سبک حافظ داشته که با این مطلع به استقبال مطلع دیوان حافظ رفته بود» (مجتبوی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۵).

۵. از آنجایی که زنان در جوامع اسلامی قرون وسطا غالباً صاحب دارایی‌های متکی به خودشان بوده‌اند، درک این موضوع که چرا آنها وقف را به‌عنوان حامل مبلغ سرمایه‌گذاری جالب دریافته‌اند آسان است و همچنین دلیل اینکه چرا آنها به‌عنوان اهداکننده‌های ساختمان و زمین‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کردند (Subtelny, 2007: 154).

۶. ساخت‌وساز دوباره شاه زند در طول قرن چهاردهم و قرن بعدی توسط تیمور ادامه یافت. بسیاری از ویژگی‌های بناهایی که در جاهای دیگر در آثار تیمور و جانشینان او مشاهده می‌شود در مجموعه شاه زند نیز مشهود است. گنبدهای آبی، برخی صاف و برخی آجدار، بسیاری از ساختمان‌ها را زینت داده‌اند. کتیبه‌های کوفی کاشی‌کاری‌شده، مشابه کتیبه‌های گور امیر و مسجد بی‌بی خانم، بر دور گنبدها حلقه زده‌اند. نوارهای کتیبه‌هایی به خط کوفی و ثلث استفاده شده است. در واقع، بهترین تزیینات آسیای مرکزی را می‌توان در این مجموعه مشاهده کرد. الگوهای مختلف تزیین اعم از نقوش گل و گیاه، ستاره‌ها، و طرح‌های هندسی در تزیینات بنا استفاده شده است. تزیینات داخلی بنا نیز از جمله صفحه‌های موزاییکی با طلای ظریف روی لعاب، برای مناظر چون گل‌ها، درختچه‌ها، رودخانه‌ها، پرندگان، و ابرها را که متأثر از هنر چینی هستند می‌توان در تزیینات دیوارها دید. به قول یکی از نویسندگان روسی: نه اندوه، بلکه صلح و آرامش از این شهر مردگان سرازیر می‌شود، با طراوت و خلوص رنگ‌ها، ترکیب فرم‌ها، و چشم‌اندازهای غیرمنتظره (Dickens, 1990: 14).

۷. با توجه به نظریه اسلامی همراهی دین با سیاست یکی از انگیزه‌های گوه‌رشاد برای ساخت این مسجد بوده است. یک فرمانروای سیاسی با استفاده از دین و عدالت نمونه یک پادشاه عادل در جامعه اسلامی است. رجوع شاهان به مسائل دینی در اصل کسب مشروعیت بوده و شاید انگیزه گوه‌رشاد و خانواده وی از این اقدامات برای کسب مشروعیت و جای‌گذاری نام نیک در برابر کشتارهای امیر تیمور بوده باشد (فرستاده، آذر نیوشه، ۱۳۹۰: ص ۲۰).

۸. شعر و ادبیات در دربار تیموری نوعی سرگرمی برای شاهزادگان و درباریان بود و همچنین بعضی اوقات برای زنان می‌توانست وسیله مناسبی برای پیشرفت اجتماعی باشد (Rogers, 1996: 545).

۹. رقیه بیگم در قرن نهم هجری قمری از جمله زنان شاعر و ادیب به شمار می‌آمد. وی همسر سلطان ابوسعید (۸۵۵ تا ۸۷۳ق) بود و با شعرای دربار از قبیل مولانا بنایی و خواجه آصفی مشاعره می‌کرد. به‌نوشته باد/یع الوقایع، مولانا بنایی و خواجه آصفی می‌گفتند: «هر بار که به مجلس مهد علیا (رقیه بیگم) می‌رویم از آنجا شرمنده بیرون می‌آییم. وی چندی دل‌باخته میرزا بیروم از درباریان هنرمند سلطان حسین باقرا بود» (مجتبوی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۴ تا ۲۳۵).

۱۰. علاءالدوله میرزا، از نوادگان شاهرخ و پسر بایسنقر، در زمان وفات شاهرخ عهده‌دار حکومت هرات بود. در زمان الغ بیگ به حکومت نواحی شمالی خراسان یعنی (خوشان) تا حدود استرآباد و دامغان روزگار می‌گذراند. علاءالدوله از شاهزادگان تیره بخت تیموری بود که در هرج و مرج ناشی از رقابت شاهزادگان تیموری زمانی را به دربه‌داری و سرگردانی و پناهندگی نزد جهان‌شاه قراقویونلو گذراند» (جهانیان، ۱۳۹۶: ص ۱۳۱).

۱۱. ملکت آغا همسر دیگر شاهرخ نیز از نظرگاه فعالیت‌های عمرانی از گوهرشاد عقب نماند. او ضمن اینکه در جوار مزار خواجه چهل‌گزين مدرسه‌ای ساخت، در بلخ نیز مدرسه‌ای تأسیس کرد. وقتی در سال ۸۴۴ق / ۱۴۴۰م در کابل وفات یافت، در آرامگاهی که به این مدرسه متصل بود مدفون گردید. مانند احداث خانقاه دارالحديث، دارالشفاء، و گرمابه‌ای که در هرات به او نسبت داده می‌شود، او در نه فرسخی هرات، در حد فاصل دره‌زنگی و چهل دختران، رباط وسیعی نیز طرح انداخت (خواندمیر، ۱۳۳۳: ص ۶۲۹).

۱۲. ولایت کوسویه در غرب هرات است بعد از ولایت فوشنگ دارای باغستان‌های متعددی می‌باشد و آب آن از هرات رود تأمین می‌شود. و در کوسویه آسیاب‌های بادی زیادی ساخته شده بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ص ۱۲۱).

۱۳. از بناهایی که به کوشش اطرافیان و نزدیکان تیمور ساخته شد نخست باید از مدرسه‌ای یاد کرد که به فرمان تومان آغا، همسر تیمور، در ولایت کوسویه بنا شد. این بانو پس از ساخت مدرسه، رباطی وسیع هم در چهارفرسخی آن احداث کرد (کاووسی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۱).

۱۴. «تومان آغا، از همسران تیمور، که قصبه کوسویه سیورغال او بود، در این ناحیه عمارات و ابنیه عام‌المنفعه متعددی از جمله کاروان‌سرا، خانقاه، و مدرسه ساخت. مدیریت خوب و عادلانه وی بر این ناحیه موجبات رفاه و آسودگی رعایای این ناحیه را از اجحافات مالی فراهم کرده بود. وی عماراتی در بلخ ساخت از جمله مدرسه‌ای که محل دفن اوست» (جهانیان، ۱۳۹۶: ص ۷۵).